

علیرضا سلطانی: ظرفیت‌سازی تولید نفت در دوره تحریم



آنچه مسلم است بازیگر اصلی بازار نفت، بشکه‌ها و به عبارت واقعی‌تر محموله‌های تولیدی و صادراتی نفت است. قدرت و جایگاه کشورهای نفتی در بازار نفت هم براساس میزان تولید و صادرات آنها تعیین می‌شود. در پرتو افزایش تولید نفت است که روسیه در سال‌های اخیر به قدرتی تأثیرگذار در بازار نفت تبدیل شده و زمینه شکل‌گیری و راهبری تیم جدیدی از کشورهای تولیدکننده نفت را فراهم کرده است. تیمی که امروزه طرف مذاکره و همکاری اوپک قرار گرفته و جریان جدیدی موسوم به اوپک‌پلاس را ایجاد کرده است.

دولت آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، عمدتاً از طریق افزایش تولید نفت به شیوه‌های مختلف از جمله تمرکز بر تولید نفت شیل و توسل به ترفندهای سیاسی مانند تحریم‌های نفتی ایران و ونزوئلا، توانست برای مدتی بر روندهای بازار نفت تأثیرگذار باشد. اما فارغ از این واقعیات، عنصر دیگری که نقش تأثیرگذاری بر بازار نفت و تحولات آن داشته و دارد، ظرفیت تولید و صادرات نفت است. اما آیا هر ظرفیتی از قدرت تأثیرگذاری بالا در این عرصه برخوردار است؟ پاسخ منفی است. عربستان سعودی، ونزوئلا و ایران به دلیل در اختیار داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفتی، به‌طور طبیعی از ظرفیت بالای تولیدی برخوردار هستند، اما این ظرفیت، ظرفیتی نیست که به‌سرعت بتواند به فعلیت برسد و موجب افزایش تولید نفت این کشورها مثلاً عربستان به ۱۵ میلیون بشکه در روز، ایران به ۱۰ میلیون بشکه یا ونزوئلا به ۵ میلیون بشکه بشود. ظرفیتی می‌تواند بر بازار و تحولات آن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار باشد که به‌سرعت و در کوتاه‌مدت قابلیت بالفعل‌شدن و واقع‌شدن را داشته باشد. این مسئله در مورد ایران و ونزوئلا به دلیل تحریم و حتی لیبی به دلیل برثباتی سیاسی و امنیتی صادق است. سطح تولید نفت ایران به دلیل تحریم‌های یکجانبه آمریکا، به‌شدت کاهش یافته است.

بنابراین در شرایط کنونی تحریم، ایران از ظرفیت بالا و واقعی با قابلیت بالفعل‌شدن سریع برخوردار است، اما صرف وجود تصور افزایش ظرفیت تولید به سطح تولید و صادرات قبل از اعمال تحریم‌ها،

نمی‌تواند ضامن تأثیرگذاری ایران در بازار نفت و حفظ جایگاه آن باشد. مدیریت پویای میدان‌های نفتی در حال فعالیت و برنامه‌ریزی برای تولید نفت باکیفیت از این میدان‌ها با بهسازی سیستم‌های فنی و مدیریتی استحصال و انتقال نفت، امکانی است که در شرایط فعلی می‌تواند سبب افزایش و پایداری ظرفیت تولید نفت به نسبت قبل از تحریم‌ها باشد. علاوه بر این، برنامه‌ریزی در جهت اجرای طرح‌های توسعه‌ای تولید نفت در میدان‌های اولویت‌دار مانند میدان‌های مشترک نفتی، اولویت دیگری است که می‌تواند به افزایش و پایداری ظرفیت تولید (تأکید می‌شود پایداری ظرفیت تولید) نفت ایران کمک کند.

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که یکی از چالش‌های جدی صنعت نفت ایران در مقایسه با دیگر کشورهای تولیدکننده نفت، کاهش سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید تولید نفت است که تقریباً در ۱۵ سال گذشته تحت تأثیر فشارهای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی روندی کند داشته است. اثرات این چالش در آینده در صورت فقدان برنامه‌ریزی برای جبران آن می‌تواند برای صنعت نفت کشورمان و جایگاه آن در بازار جهانی نفت، پرهزینه باشد. خوشبختانه ایران تجربه خوبی در این زمینه دارد. در دوره مذاکرات برجامی یعنی از سال ۹۲ تا زمان اجرای برجام در دی‌ماه ۹۴ هم‌زمان با انجام مذاکرات برجامی و افزایش انتظارات برای رسیدن به یک توافق جامع، صنعت نفت نیز تلاش گسترده‌ای را برای حفظ و افزایش ظرفیت تولید نفت و کسب آمادگی برای ورود قدرتمندانه و سریع به دوره پس از رفع تحریم‌ها به‌کار بست و این مسئله علاوه بر پویایی و زنده بودن صنعت نفت، پشتوانه قدرتمندی برای مذاکره‌کنندگان بود.

بازگشت سریع و قدرتمند ایران به بازار نفت پس از رفع تحریم‌ها از دی‌ماه ۹۴ و احیای موقعیت ایران در بازار و رجوع دوباره مشتریان نفت ایران، گواه مستندی بر اصل ضرورت حفظ و افزایش ظرفیت تولید نفت ایران است. این در حالی بود که در آستانه امضا و اجرای برجام و رفع تحریم‌های نفتی، تلاش گسترده‌ای به لحاظ سیاسی از سوی کشورهای عمده تولیدکننده نفت به‌ویژه عربستان سعودی و حتی روسیه برای بازگشت تدریجی ایران به بازار شکل گرفته بود که مقاومت ایران در برابر این خواسته غیرمنطقی، اهداف سیاسی آنها را بر باد داد. به‌طور طبیعی برنامه‌ریزی برای حفظ و افزایش ظرفیت تولید نفت قبل از رفع تحریم‌ها، بزرگ‌ترین و مؤثرترین عامل برای بازگشت سریع ایران به بازار نفت بود. این تجربه موفق طبیعتاً باید سرلوحه ایران برای دوره فعلی تحریم‌ها باشد. واقعیت این است که تحریم‌ها

ماندنی نخواهد بود و آنچه پایدار است، تولید نفت ایران و افزایش ظرفیت آن در میان مدت برای بهره‌مندی مناسب از این مزیت حیاتی است که ارزش آن در حال کاهش است. بر این نکته نیز باید تأکید کرد که در دوره نبود یا کاهش محسوس بشکتهای نفت، آنچه سبب فعال و مؤثر بودن دیپلماسی نفتی ایران در ماه‌های اخیر شده، ظرفیت پویای تولید نفت ایران است که برای بازیگران نفتی بازار نفت پذیرفته شده است.

علیرضا سلطانی

استاد دانشگاه و کارشناس اقتصاد انرژی